



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی
گروه علوم سیاسی

رساله دکتری رشته علوم سیاسی

هندسه نوین جهانی و جایگاه قدرت ایران در نظام بین‌الملل در حال گذار

استادان راهنما:

دکتر سید محمد کاظم سجادپور - دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر

استادان مشاور:

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی - دکتر محمود جنیدی

پژوهشگر:

مهدی فرازی

بهمن ۱۳۹۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی
گروه علوم سیاسی

رساله دکتری رشته علوم سیاسی

هندسۀ نوین جهانی و جایگاه قدرت ایران در نظام بین‌الملل در حال گذار

استادان راهنما:

دکتر سید محمد کاظم سجادیپور

دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر

استادان مشاور:

دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی

دکتر محمود جنیدی جعفری

پژوهشگر:

مهدی فرازی

بهمن ۱۳۹۵

برگه ارزیابی

سپاس‌گزاری

بر خود فرض می‌دانم از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و حمایت‌های مشفقانه معلمان و اساتید محترم در مقاطع مختلف تحصیلی در مدارس شهر یزد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر سجادپور به سبب پذیرش راهنمایی رساله علیرغم مشغله فراوان علمی و اجرایی سپاس‌گزارم. همچنین قدردان استاد ارجمند جناب آقای دکتر حسنی‌فر که در کنار راهنمایی‌های ارزشمند خود، پشتیبانی همراه در طول دوره تحصیلی در مقطع دکترا بودند هستیم.

از اساتید ارجمند جناب آقایان دکتر دهقانی فیروزآبادی و دکتر جنیدی که با نکته‌سنجی‌های خود در دوران نگارش رساله بر رفع کاستی‌های علمی و پژوهشی اینجانب همت گماردند کمال سپاس‌گزاری دارم.

از اساتید محترم جناب آقایان دکتر فرهاد قاسمی، دکتر بهادر امینیان و دکتر فوزی که با ارزیابی موشکافانه خود ضمن کاستن از نواقص رساله، حوزه گسترده‌تری را پیش روی اینجانب برای پژوهش‌های آتی ترسیم نمودند سپاس‌گزارم.

هرچند سپاس‌گزاری از صاحبان حق بر اینجانب در این مختصر امکان‌پذیر نیست اما تحصیل حقیر جز با حمایت و تشویق مداوم خانواده و بویژه پدر و مادرم عزیزم میسر نبود. سخاوت و ایثار همیشگی آن‌ها مرا در مسیر تلاش‌هایم ثابت قدم نمود و این کمترین سپاس‌گزاری به شمار می‌آید.

در پایان از همسر عزیزم که صمیمانه حمایت نمود و سختی‌های نگارش رساله در زندگی مشترکمان را تحمل نمود تشکر می‌کنم.

تقدیم بہ جان جانان؛ و احترام - زینب

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف فهم جایگاه قدرت ایران در نظام بین‌الملل در حال گذار به رشته تحریر در آمده است. بررسی تحول مفهوم قدرت گام نخست انجام پژوهش حاضر بود. در نظام بین‌الملل کنونی شاهد تکثیر یافتن کنشگران و تحول ساختار نظام بین‌الملل هستیم؛ از آنجایی که نمی‌توان وضعیت کنونی را یک وضعیت ثابت، شکل یافته و مستحکم قلمداد نمود، گذار در نظام بین‌الملل شاید نزدیک‌ترین گذاره‌ای بود که می‌تواند وضعیت کنونی را تبیین نماید. یکی از ویژگی‌های نظام بین‌الملل در حال گذار را باید ظهور و برآمدن قدرت‌های منطقه‌ای دانست. قدرت‌های منطقه‌ای که هر کدام در راستای پیشینه‌سازی منافع و امنیت خود نقش و جهت‌گیری خاصی را در منطقه تعقیب می‌نمایند و به دنبال حاکم نمودن گونه‌ی خاصی از نظم بر مناطق جغرافیایی و زیرسیستم امنیتی خود هستند. قدرت‌های بزرگ نیز در راستای تعقیب منافع خود در زیرسیستم‌های منطقه‌ای به نحو خاصی از رفتار با کنشگران منطقه‌ای می‌پردازند و نسبت به برقراری گونه‌ی خاصی از نظم در مناطق جغرافیایی حساسیت‌های ویژه‌ای دارند. بررسی موارد پیش گفته در غرب آسیا به عنوان یکی از مهمترین زیرسیستم‌های منطقه‌ای و ایران به عنوان قدرت نوظهور منطقه‌ای به عنوان مطالعه موردی در کانون توجه پژوهش حاضر قرار دارد.

واژگان کلیدی: نظام بین‌الملل در حال گذار، قدرت‌های منطقه‌ای، نظم منطقه‌ای، قدرت‌های بزرگ، ایران.

«فهرست مطالب»

۱	فصل اول: کلیات پژوهش
۲	۱. بیان مسئله
۶	۲. اهمیت و ضرورت پژوهش
۷	۳. اهداف پژوهش
۸	۳. سوال های پژوهش
۹	۴. فرضیه
۹	۵. روش پژوهش
۱۰	۶. تعریف مفاهیم
۱۱	۷. ادبیات پژوهش
۱۲	۷-۱. نظام بین الملل و ساختار بین المللی
۲۷	۷-۲. تحول مفهوم قدرت و ظهور بازیگران جدید
۳۲	۷-۳. منطقه گرایی و الگوهای نظم منطقه‌ای
۳۳	۸. ارزیابی ادبیات پژوهش
۳۵	۹. مبانی نظری پژوهش
۳۵	۹-۱. قدرت هوشمند
۳۷	۹-۲. وجوه سه گانه قدرت
۴۰	۹-۳. شرایط قرن ۲۱ و انواع قدرت
۴۵	۹-۴. قدرت هوشمند در قرن بیست و یکم
۴۶	۱۰. فصل بندی پژوهش

۴۸	فصل دوم: نظام بین‌الملل در حال گذار؛ ساختار و کنشگران
۴۹	مقدمه
۵۰	۱. ساختار نظام بین‌الملل
۵۳	۲. قطب‌بندی در نظام بین‌الملل
۵۶	۳. بازیگران و الگوهای رفتاری در نظام بین‌الملل
۶۱	۴. ساختار نظام بین‌الملل در حال گذار
۶۶	۵. نظام بین‌الملل در حال گذار و روند تکثریابی بازیگران
۷۲	۱-۵. جنبش‌های جدید شهروندی
۷۴	۲-۵. مهاجرت
۷۵	۳-۵. شرکت‌های خصوصی نظامی
۷۶	۴-۵. شرکت‌های چندملیتی
۷۶	۵-۵. اشخاص بسیار قدرتمند
۷۷	جمع‌بندی

۸۰ **فصل سوم: نظام بین‌الملل در حال گذار و برآمدن قدرت‌های منطقه‌ای**

۸۱	مقدمه
۸۲	۱. منطقه‌گرایی و قدرت‌های منطقه‌ای
۸۷	۲. ظهور و برآمدن قدرت‌های منطقه‌ای
۹۱	۳. گونه‌های نظم امنیتی منطقه‌ای

۹۷	۴. نقش قدرت‌های منطقه‌ای
۹۸	۴-۱. رهبری منطقه‌ای
۱۰۲	۴-۲. پاسداری منطقه‌ای
۱۰۵	۴-۳. حمایت‌گرایی منطقه‌ای
۱۰۹	۵. جهت‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای
۱۰۹	۵-۱. حامی حفظ وضع موجود و تجدید نظر طلب
۱۱۱	۵-۲. چندجانبه‌گرایی و یک‌جانبه‌گرایی
۱۱۳	۵-۳. کنشگر فعال و کنشگر واکنشی
۱۱۵	۶. تحوه تعامل قدرت‌های بزرگ با قدرت‌های نوظهور منطقه‌ای
۱۲۳	جمع‌بندی

۱۲۵ فصل چهارم: غرب آسیا و نظام بین‌الملل در حال گذار

۱۲۶	مقدمه
۱۲۶	۱. غرب آسیا در حال گذار
۱۳۱	۲. قدرت‌های منطقه‌ای و ساختار قدرت در غرب آسیا
۱۳۳	۳. نقش و جهت‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا
۱۳۶	۴. نظم ترجیحی قدرت‌های بزرگ در غرب آسیا
۱۴۶	۵. نظم امنیتی غرب آسیا
۱۴۷	جمع‌بندی

۱۴۹ فصل پنجم: ایران در نظام بین‌الملل در حال گذار

۱۵۰	مقدمه
۱۵۰	۱. ایران و قدرت هوشمند
۱۵۹	۲. ایران و غرب آسیای در حال گذار
۱۶۰	۳. ایران و کنشگران نظام بین‌الملل در حال گذار
۱۶۹	۴. ایران و رفتار منطقه‌ای
۱۷۱	۴-۱. ایران و رهبری منطقه‌ای
۱۷۳	۴-۲. ایران و پاسداری منطقه‌ای
۱۷۵	۴-۳. ایران و حمایت‌گرایی منطقه‌ای
۱۸۰	نتیجه‌گیری
۱۸۵	منابع

«فهرست جداول»

- ۴۳ ۱. ابعاد قدرت نظامی از منظر جوزف نای
- ۹۸ ۲. گونه‌های پنج‌گانه نظم امنیتی منطقه‌ای
- ۱۰۱ ۳. شاخص‌های رهبری منطقه‌ای
- ۱۰۲ ۴. رابطه میان رهبری منطقه‌ای و ساختار منطقه‌ای
- ۱۰۵ ۵. شاخص‌های پاسداری منطقه‌ای
- ۱۰۶ ۶. رابطه میان پاسداری منطقه‌ای و ساختار منطقه‌ای
- ۱۰۸ ۷. شاخص‌های حمایت‌گرایی منطقه‌ای
- ۱۰۹ ۸. رابطه میان حمایت‌گرایی منطقه‌ای و ساختار منطقه‌ای
- ۱۱۰ ۹. ویژگی‌های حفظ وضع موجود و تجدیدنظر طلبی
- ۱۱۱ ۱۰. گونه‌های مختلف جهت‌گیری حفظ وضع موجود و تجدیدنظر طلبی
- ۱۱۳ ۱۱. مشخصه‌های یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی
- ۱۱۳ ۱۲. نحوه کارکرد جهت‌گیری یک‌جانبه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی
- ۱۱۵ ۱۳. مشخصه‌های کنشگری فعال و کنشگری واکنشی
- ۱۲۰ ۱۴. ارزیابی ریسک و نظم ترجیحی قدرت‌های بزرگ در مناطق
- ۱۲۱ ۱۵. انواع مختلف گذار قدرت منطقه‌ای
- ۱۲۳ ۱۶. رفتار قدرت بزرگ در قبال نظم منطقه‌ای و قدرت نوظهور منطقه‌ای
- ۱۵۳ ۱۷. جایگاه قدرت ملی ایران به تفکیک عناصر نه‌گانه قدرت
- ۱۸۰ ۱۸. ایران و غرب آسیا در حال گذار؛ جایگاه قدرت، نقش و جهت‌گیری منطقه‌ای

«فهرست شکل‌ها»

- ۳۸ .۱. قدرت به عنوان منابع و قدرت به عنوان نتایج رفتاری
- ۴۰ .۲. سه وجه قدرت نسبت‌مند
- ۴۰ .۳. بازنمایی طیف رفتارهای قدرت‌مدار
- ۴۸ .۴. ایران و نظام بین‌الملل در حال گذار؛ محیط، کنشگران و نحوه کنشگری
- ۶۴ .۵. طیف نظرات درباره افول آمریکا در نظام بین‌الملل
- ۱۲۵ .۶. مولفه‌های موثر بر شکل‌گیری نظم امنیتی منطقه‌ای
- ۱۵۲ .۷. ساختار قدرت جهانی

فصل اول

کلیات پژوهش

۱. بیان مسئله:

بررسی تاثیر ساختار نظام بین‌الملل و قطب‌بندی جهانی بر سیاست خارجی کشورها، موضوعی است که در کانون توجه نظریه‌پردازان سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی قرار داشته است. اینکه در نظام تک قطبی، دو قطبی و چند قطبی کشورها چگونه رفتار می‌کنند و سیاست خارجی کشورها چگونه از این قطب‌بندی‌ها تاثیر می‌پذیرند و اینکه کشورها با اتخاذ سیاست خارجی خود در این ساختار با چه فرصت‌ها و چالش‌هایی مواجه خواهند شد یکی از موضوعات مهمی است که باید مورد مطالعه قرار گیرد.

از طرفی در کنار تاثیرات این قطب‌بندی‌ها، برداشت رهبران و سیاست‌گزاران از ساختار نظام بین‌الملل و جایگاه کشور خود در نظام بین‌الملل موضوعی است که باید مورد واکاوی عمیق قرار گیرد. اینکه رهبران کشورها چه جایگاه منطقه‌ای یا جهانی برای کشورشان تعریف کرده و در همین راستا کدام رویکرد سیاست خارجی را تعقیب می‌نمایند، چالش‌ها و فرصت‌های مختلفی را پیش‌روی آن‌ها قرار می‌دهد.

در نظام بین‌الملل، کشورها همواره رویکردهای مختلفی را در قبال ساختار نظام بین‌الملل دنبال می‌کنند. عده‌ای بر نظم موجود صحه گذاشته، از آن حمایت کرده و حامی عدم تغییر در نظم موجود هستند اما گروه دیگر کشورهایی هستند که با بازیگری فعال در نظام بین‌الملل درصدد هستند با تغییر نظام بین‌الملل موجود، در راستای بیشینه‌سازی امنیت و منافع خود تحول ایجاد نمایند یا به تحولات تسریع بخشند. بی‌تردید نقش عنصر «قدرت» در حفظ یا تغییر نظام بین‌الملل موجود از سوی بازیگران و نحوه کنش صلح‌آمیز یا غیر صلح‌آمیز آن‌ها همگی به مولفه قدرت باز می‌گردد.

در شرایط موجود نظام بین‌الملل همچنان با رقابت میان دولت‌ها به عنوان کنشگر اصلی مواجه هستیم. همچنین دستیابی به اجماع میان این قدرت‌ها در موضوعات مختلف جهانی به امری دشوار و در برخی موارد غیرممکن بدل شده است. «کنشگران جدیدی» در نظام بین‌الملل در حال گذار سر

برآورده‌اند و بیش از هر زمانی عناصر نرم قدرت در کنار عناصر سخت آن برای همکاری، رقابت و حتی دشمنی در نظام بین‌الملل در حال گذار نیاز است.

نظام بین‌الملل کنونی دستخوش دگرگونی‌های عمیقی است که با نمونه‌های گذشته دارای تفاوتی ماهوی است. از این‌رو نظام فعلی را نظام بین‌الملل در حال گذار می‌توان نامید که عناصر مختلفی از جمله بازیگران جدید با ظرفیت و توان قدرت متفاوتی به ایفای نقش در ساختار فعلی دست می‌زنند و الگوهای قدیمی ایفای نقش صرف توسط قدرت‌های بزرگ را تا حدودی به چالش کشیده‌اند. نحوه تعامل و کنشگری میان این بازیگران با بازیگران جدید و در نهایت چگونگی ترسیم و برپایی نظم در نظام بین‌الملل و زیرسیستم‌های منطقه‌ای از موضوعاتی است که در ترسیم هندسه نوین جهانی از اهمیت بالایی برخوردار است.

گذار کنونی در نظام بین‌الملل موجود بر زیرسیستم‌های این نظام یعنی مناطق جغرافیایی و مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به عنوان یکی از حلقه‌های متصل به نظم جهانی نیز تاثیر مستقیم بر جای گذارده است. در حالی که همواره نحوه تعامل میان قدرت‌های بزرگ زمینه ترسیم و پیاده‌سازی نظم در زیرسیستم‌های منطقه‌ای را فراهم می‌ساخت و نقش قدرت‌های منطقه‌ای در آن اندک می‌نمود، امروز به سبب شرایط ناشی از گذار در نظام بین‌الملل، «زیرسیستم‌های منطقه‌ای» و از جمله مهمترین بازیگران آن یعنی «قدرت‌های منطقه‌ای» دستخوش دگرگونی شده‌اند و مطالعه زیرسیستم‌های منطقه‌ای در شرایط کنونی از اهمیت زیادی برخوردار است.

امروز منطقه غرب آسیا (غرب آسیا) به عنوان یکی از زیرسیستم‌های مهم در نظام بین‌الملل نیز بیش از گذشته از قالب سنتی پس از جنگ‌های جهانی دوم فاصله می‌گیرد. نظام‌های اقتدارگرا فرو می‌ریزند اما تولد ساختارهای داخلی جدید در این کشورها حتمی نیست. ترکیب پیچیده‌ای از مسائل داخلی همچون قومی، مذهبی و تکثر گفتمان‌های سیاسی در کنار عوامل مخالف خارجی مثل رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای دست به دست هم داده و زمینه را برای نظم یا بی‌نظمی در یک کشور فراهم می‌آورند.

اما آنچه را که سبب شده امروز بر اهمیت انجام پژوهشی از این دست نویسنده را ترغیب نماید آن است که در شرایط فعلی و بر خلاف سوابق تاریخی که همواره ایران از ساختار نظام بین‌المللی و قطب‌بندی جهانی اثر می‌پذیرفته است امروز کشور ما ظرفیت و توانایی اثرگذاری نسبی بر ساختار و قطب‌بندی جهانی را به سبب عنصر قدرت به دست آورده است. حال در هنگامه گذار نظام یک - چند قطبی کنونی به نظمی جدید، اینکه نسبت قدرت ایران در نظام بین‌الملل در حال گذار چگونه خواهد بود و بر این اساس در حوزه سیاست خارجی، ایران چه رویکردی را اتخاذ و تعقیب خواهد نمود پرسشی کلیدی است که هدف اصلی انجام پژوهش حاضر به شمار می‌آید.

رویکرد ایران در بازه زمانی یک صد سال گذشته در قبال ساختار نظام بین‌الملل متفاوت بوده است. ایران زمانی حمایت از نظم موجود را تعقیب نمود و پس از انقلاب اسلامی رویکرد تقابلی و تجدیدنظر طلب به شکل و ماهیت نظام بین‌الملل موجود را در دستور کار قرار داد. سیاست داخلی در ایران نیز همواره از نحوه رویکرد ایران در قبال این نظام خواه چندقطبی یا دوقطبی متأثر بوده است. بی‌تردید نسبت قدرت در ایران و مولفه‌های قدرت آن در بازه‌های مختلف زمانی با یکدیگر متفاوت بوده است.

ایران به عنوان یکی از مهمترین قدرت‌های منطقه‌ای دورانی خاص را سپری می‌کند. از سویی بی‌ثباتی امنیتی غرب آسیا، در ایران تاثیری نداشته و از سوی دیگر ایران مسیر تنش‌زدایی روابط با کشورهای غربی و از جمله آمریکا را تجربه می‌کند. بی‌تردید افزایش قدرت ایران افزایش رقابت‌های منطقه‌ای را به دنبال خواهد داشت اما این بار تقویت قدرت داخلی ایران در کنار شرایط گذار نظام بین‌الملل - که سبب رقابت قدرت‌های بزرگ در منطقه شده است و کار را برای تصمیم‌گیری و اقدام یکجانبه آمریکا غیرممکن نموده است - فرصت‌های بیشتری به منظور تامین منافع و امنیت ملی کشور فراهم آورده است. هرچند شرایط کنونی می‌تواند بصورت همزمان چالش‌هایی را نیز پیش روی کشور و نظم منطقه‌ای قرار دهد. از این‌رو اشاره مقام معظم رهبری به موضوع تغییر هندسه جهانی یا آنچه از آن با عنوان "پیچ تاریخی" یاد می‌شود بیانگر اهمیت این دوره و ضرورت تقویت قوای داخلی و بازیگری فعال ایران در نظام بین‌الملل است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در سخنرانی‌های سه سال گذشته خود در مناسبت‌های مختلف، بارها موضوع تغییر هندسه دنیا یا پیچ تاریخی را مطرح نموده‌اند؛ ایشان در بیاناتشان در دیدار با اساتید دانشگاه‌های کشور می‌فرمایند:

وضعیتی که امروز در دنیا هست، وضعیت تحول است. اوضاع جهان در حال تبدیل به یک شکل جدید و هندسه‌ی جدید است. اگر بخواهیم در گذشته‌های نزدیک - مثلاً در حدود یکی دو قرن - نظیری برای این پیدا کنیم، تقریباً شبیه اوضاع بعد از جنگ بین‌الملل اول، البته در جهت عکس آن است؛ آن روز هم هندسه‌ی سیاسی و اقتصادی دنیا تغییر اساسی و بنیادی کرد. یا قبل از آن، در دورانی که اروپائی‌ها استعمار را شروع کردند؛ یک وضعیت جدیدی در دنیا به وجود آمد، شکل عمومی دنیا عوض شد. تحولاتی که امروز مشاهده می‌شود، از این جنس است؛ جنس تغییر شکل عمومی دنیا؛ البته در جهت عکس آن دو مثالی که زدم؛ در جهت تبادل قدرت و توانائی‌های عمومی بین شرق و غرب، یا بین بخشی از ملت‌های دنیا با بخش دیگر. پیداست که به سوی تحولات تازه‌ای داریم پیش می‌رویم (آیت الله سید علی خامنه‌ای، ۲۲ مرداد ۱۳۹۱)

ایشان همچنین در دیدار با شرکت‌کنندگان ششمین همایش ملی نخبگان جوان با طرح پرسشی، زمینه‌های بازاندیشی، مطالعه و شناخت صحیح جایگاه ایران در جهان را یادآور می‌شوند:

در نقشه‌ی کنونی دنیا، در این کالکی که امروز وضعیت جایگاه و موقعیت نیروهای سیاسی دنیا و جغرافیای سیاسی دنیا را ترسیم کرده و وجود دارد، جایگاه خودمان را، جایگاه ملت ایران را، جایگاه نظام جمهوری اسلامی را گم نکنیم؛ ما کجائیم؟ در چه وضعیتی هستیم؟ (آیت الله سید علی خامنه‌ای، ۱۲ مهرماه ۱۳۹۱)

مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری بار دیگر بر ضرورت فهم زوایای نظام بین‌الملل در حال گذار و جایگاه ایران از یک‌سو و زمینه‌های نقش‌آفرینی ایران از سوی دیگر تاکید می‌نمایند:

این وضع منطقه و وضع جهان است و دلیل بر اینکه نظم قبلی جهانی دیگر قابل استمرار نیست که غربی‌ها مدیریت جهان را به دست بگیرند. وضع جدیدی در حال شکل‌گیری است که البته هنوز هم شکل نگرفته است. ما اینجا باید چه کار کنیم؟ به نظر ما دو مطلب، مهم است: مطلب اول این است که

این واقعیهایی که امروز مشاهده میکنیم، واژگونه تحلیل نشود، غلط تحلیل نشود، غلط فهمیده نشود، همچنان که هست فهمیده بشود..... کار دومی که مهم است، این است که خودمان را آماده کنیم برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید؛ کشور را آماده کنیم برای اینکه نقش آفرینی کند و این هم ممکن نخواهد شد مگر با قوی کردن کشور؛ کشور را باید قوی کنیم. تقویت کشور متوقف است بر استفاده‌ی از همه‌ی ظرفیتها و توانایی‌هایی که ما در داخل کشور و در بیرون کشور داریم.....(آیت الله سید علی خامنه‌ای، ۱۳ شهریور ۱۳۹۳).

باید اذعان داشت در شرایطی که نظام بین‌الملل موجود شرایط گذار و انتقالی را تجربه می‌نماید و شرایط در غرب آسیا نیز بیش از دو دهه گذشته دستخوش تغییرات مداوم قرار دارد، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز با آغاز بکار دولت یازدهم گفتمان تازه‌ای را در روابط خود با جهان تعقیب می‌نماید. با در نظر گرفتن چنین شرایطی شناخت ظرفیت‌های قدرت ایران در نظام بین‌الملل در حال گذار و ارائه پیشنهادهاتی در خصوص جهت‌گیری‌های سیاست خارجی کشور با توجه به ظرفیت‌های موجود و فضای جدید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. ضرورت و اهمیت پژوهش:

گذار در نظام بین‌الملل، منطقه غرب آسیا را نیز بصورت مستقیم تحت تاثیر قرار داده است. تحولات جدید در مفهوم قدرت سبب شده است تا دیگر نتوان به سادگی داشتن قدرت را برابر با کسب نتایج دلخواه تفسیر نمود؛ چراکه اگر چنین تعریفی پاسخگو می‌نمود امروز باید شاهد موفقیت آمریکا در عراق می‌بودیم. از سوی دیگر طیف گسترده‌ای از کنشگران جدید در غرب آسیا از جنبش‌های نوین شهروندی تا شرکت‌های خصوصی نظامی به ایفای نقش می‌پردازند و همین عامل سبب شده است تا امروز دولت‌های منطقه‌ای با طیف گسترده‌ای از بازیگران مواجه باشند که نحوه تعامل و برخورد با هر یک تفاوت گسترده‌ای دارد.

موضوعات متنوع و جدیدی از جمله مهاجرت گسترده، تهاجم به همسایگان نقض تمامیت ارضی آنها، فقدان حاکمیت ملی و تعدد دولت‌های ورشکسته، گسستگی‌های داخلی و افزایش شکاف

سیاسی و اجتماعی در کشورهای منطقه غرب آسیا سبب تمایز زمان کنونی با یک دهه گذشته شده است. رابطه میان غرب آسیا با قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل نیز دستخوش تغییراتی شده است. در حالی که به نظر می‌رسد خاورمیانه در اولویت‌های ثانوی آمریکا قرار گرفته است شاهد نقش‌آفرینی گسترده‌تر سایر قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه در منطقه هستیم.

در سال‌های اخیر نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا در تحولات منطقه‌ای و تلاش برای یافتن راه‌حلی برای موضوعاتی که وجه بین‌المللی به خود گرفته‌اند بیشتر شده است. امروز کمتر بازیگری در نظام بین‌الملل وجود دارد که نقش قدرت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا را برای حل و فصل موضوعات نادیده بگیرد. از این‌رو شاهد افزایش نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی هستیم.

فهم جایگاه قدرت ایران به عنوان یک قدرت نوظهور منطقه‌ای در غرب آسیا و نظام بین‌الملل در حال گذار نیازمند مطالعات روزآمد با در نظر گرفتن شرایط جدید در منطقه و جهان است. از سویی حفظ یا بازنگری در نقش منطقه‌ای و جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در قبال این تحولات گسترده در منطقه و جهان در ارتباط عمیقی با شناخت صحیح ما از مولفه‌های قدرت دارد. ضرورت و اهمیت انجام چنین پژوهشی در حالی که از سوی بسیاری از قدرت‌های بزرگ بازنگری در راهبردها و سیاست‌ها در دستور کار قرار گرفته است، برای قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران بیش از پیش احساس می‌شود و از این‌رو نگارنده را به انجام پژوهش حاضر ترغیب نمود.

۳. اهداف پژوهش:

هدف پژوهش حاضر فهم نسبت قدرت ایران در نظام بین‌الملل در حال گذار به عنوان بستر سیاست جهانی و منطقه غرب آسیا به عنوان منطقه جغرافیایی که ایران به عنوان یکی از بازیگران موثر در آن ایفای نقش می‌نماید است. سیاست‌گذاری در حوزه روابط خارجی بیش از هر چیز نیازمند داشتن فهمی دقیق از وجوه توانایی‌ها و نقاط قوت و ضعف است و تنها در این صورت است که می‌توان

انتظار داشت بر دستیابی به اهداف کلان ملی افزوده شود و راه‌حلی برای چالش‌های پیش‌رو مورد نظر قرار گرفته و آمادگی لازم برای مقابله با آن‌ها را فراهم نمود.

دستیابی به این مهم به عنوان مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری در حوزه روابط خارجی نیازمند شناخت و فهم عناصر اصلی نظام بین‌الملل است. از این‌رو در پژوهش حاضر لازم است در ابتدا به قدرت به عنوان عنصر اصلی و کلیدی در نظام بین‌الملل، اشکال و نحوه کاربست آن نگاه دقیق‌تری بیاندازیم. نحوه تعریف ما از قدرت بی‌تردید بر تمام پژوهش‌های تأثیری مستقیم خواهد داشت و از این جهت انتخاب دقیق‌ترین و گویاترین تعاریف می‌تواند به فهم بیشتر ما از این شرایط کمک شایانی نماید.

فهم شرایط و ویژگی‌های نظام بین‌الملل در حال گذار به عنوان بستر اصلی سیاست جهانی از دیگر اهداف این پژوهش به شمار می‌آید. از این‌رو با هدف درک عناصر این نظام ناگزیر نگاه دقیق‌تری به رویکردهای مختلف در قبال گذار در نظام بین‌الملل و سایر عناصر اصلی ساختار قدرت یعنی قطب‌بندی و بازیگران خواهیم انداخت. اینکه قدرت توسط کدام کنشگران و چگونه در جهان و مناطق جغرافیایی با تمرکز بر غرب آسیا تقسیم خواهد شد از نقاط کانونی تمرکز پژوهش حاضر خواهد بود. برآیند این مطالعات را با هدف بررسی نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی ایران در نظر قرار خواهیم داشت.

۴. سؤال‌های پژوهش:

سوال اصلی در این پژوهش آن است که «جایگاه قدرت ایران در نظام بین‌الملل در حال گذار چگونه است؟» در چارچوب دستیابی به این پرسش اصلی ضرورت پاسخگویی به برخی سوالات فرعی احساس می‌شود:

- مقصود از قدرت چیست و چه مولفه‌هایی را شامل می‌شود؟

- ساختار قدرت و بازیگران در نظام بین‌الملل در حال گذار دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

- نظام بین‌الملل در حال گذار چه تاثیری بر قدرت‌های منطقه‌ای به خصوص منطقه غرب آسیا بر جای گذارده است؟

- قدرت ایران با چه فرصت‌ها و چالش‌های متأثر از نظام بین‌الملل در حال گذار مواجه است؟

- رویکرد پیشنهادی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در راستای بیشینه‌سازی منافع و امنیت ملی خود در دوران در حال گذار چیست؟

۵. فرضیه:

بازنگری در کاربست قدرت ملی ایران بر اساس مولفه‌های هوشمند و بازتعریف نقش منطقه‌ای و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی تاثیر مهمی بر ارتقای جایگاه ایران در نظام بین‌الملل خواهد داشت.

۶. روش پژوهش:

روش پژوهش حاضر را باید تحلیلی دانست. به این معنا که پژوهشگر ضمن بررسی و تحلیل رویکردهای نظری موجود درباره گذار در نظام بین‌الملل، به تبیین و فهم ارتباط میان دو متغیر نظام بین‌الملل و زیرسیستم‌های بین‌المللی می‌پردازد و به نقد رویکردهای موجود خواهد پرداخت. از سویی در طول پژوهش رویکرد کاربردی و تجویزی در راستای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد نظر قرار گرفته است.

برای بررسی نسبت قدرت ایران در نظام بین‌الملل در حال گذار، ناگزیریم ابتدا به بررسی تعریف قدرت و عناصر آن پردازیم و بتوانیم تصویری روشن از قدرت را نه تنها در عناصر بالقوه بلکه نحوه چگونگی تبدیل آن به نتیجه مطلوب رهگیری نماییم.